

## والدین، خود و دیگران مهم: منابع تصور از خدا

### Parents, Self, and Important Others: Sources of God Image

تاریخ پذیرش: ۸۷/۳/۵

تاریخ دریافت: ۸۶/۱۰/۱۰

Sadeghi M<sup>✉</sup>. M.Sc , Mazaheri MA. Ph.D,  
Malek Asgar S. B.Sc

منصوره السادات صادقی<sup>\*</sup>، دکتر محمد علی  
مظاهری<sup>\*</sup>، سعاده ملک عسگر<sup>\*\*</sup>

#### Abstract

**Introduction:** The goal of the present research was to examine the relationships between God images and images of parents, self, and important others.

**Methods:** Some 240 students (118 boys & 124 girls) of Shahid Beheshti University were chosen through accessible proportion sampling. Subjects completed the Questionnaire of Objects Relation: Images of God, Self, and Important Others (Mazaheri, et al., 2006; rebuilt scale of Lawrence, 1997). Pearson correlations indicated significant correlations between the variables. Analyzing data with the regression revealed that images of parents and self are more efficient predictors of the God image. Independent t-tests showed significant differences between genders; i.e. girls had more positive images about the relation objects: parents, self and God.

**Results:** Regressions revealed gender differences in terms of predicting image of God by images of parents, self and important others; i.e. images of parents and self were stronger predictors of the God image for girls, in comparison with boys.

**Conclusion:** Quality of parent - child relationships and the role of the attachment theory, as well as the theories of object relationships in formation of the images of parents, self and God are discussed. The observed differences between genders are interpreted in terms of Differences in values perspective and parenting styles and religious education.

**Keywords:** God image, image of parents, images of self, images of important others.

#### چکیده

**مقدمه:** پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه تصور از خدا با تصور از والدین، خود و دیگران مهم در دختران و پسران دانشجوی طراحی و اجرا گردید.

**روش:** تعداد ۲۴۰ نفر دانشجو (۱۱۸ پسر و ۱۲۴ دختر) به عنوان نمونه غیراحتمالی در دسترس انتخاب شدند و پرسشنامه موضوعهای رابطه؛ تصور از خدا، والدین، خود و دیگران مهم (براساس پرسشنامه مظاهری و همکاران، ۱۳۸۴؛ بازسازی مقیاس لارنس، ۱۹۹۷) را تکمیل نمودند.

**یافته‌ها:** نتایج تجزیه و تحلیل داده‌های تحقیق حاضر با استفاده از آزمون همبستگی پیرسون همبستگی معنادار بین متغیرها را نشان داد. با استفاده از تحلیل رگرسیون نشان داده شد که متغیرهای تصور از والدین و تصور از خود نسبت به متغیر تصور از دیگران مهم پیش بینی کننده‌های معتبرتری برای تصور از خدا هستند و بیشترین سهم واریانس در پیش بینی تصور از خدا ابتدا تصور از والدین و سپس تصور از خود می باشد. همچنین نتایج تحلیل داده‌ها با استفاده از آزمون t نشان داد که تفاوت میانگین نمرات تصور از خدا، والدین، خود و دیگران مهم در دختران و پسران به گونه‌ای معنادار است که در مجموع دختران تصورشان از موضوعهای رابطه والدین، خود و خدا نسبت به پسران بهتر و مثبت تر است. تحلیل رگرسیون نشان داد که سهم واریانس این متغیرها در پیش بینی تصور از خدا در بین دو جنس متفاوت است. به عبارت دیگر در حالی که نقش تصور از والدین و خود در پیش بینی تصور از خدا در دختران بیشتر از پسران است، نقش تصور از والدین در پیش بینی تصور از خود در پسران بیشتر از دختران است.

**نتیجه گیری:** در تبیین نتایج به دست آمده به کیفیت ارتباط والد-فرزند و نقش نظریه‌های دلبستگی و روابط موضوعی در شکل گیری تصور از والدین و در پی آن تصور از خود و خدا اشاره شده است. تفاوت دیدگاههای ارزشی و اخلاقی در دو جنس، تفاوت در سبکهای تربیتی و تربیت دینی نیز دلیل احتمالی تفاوت بین دو جنس می باشد.

**واژه‌های کلیدی:** تصور از خدا، تصور از والدین، تصور از خود، تصور از دیگران مهم

✉Corresponding author: family Research institute,  
Shahid Beheshti University G.C, Tehrn, Iran.  
E-mail: m\_sadeghi20097@yahoo.com

✉ نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری روانشناسی عمومی، دانشگاه شهید بهشتی - تهران

\*دانشیار، پژوهشکده خانواده، دانشگاه شهید بهشتی - تهران

\*\* دانشجوی کارشناسی ارشد خانواده درمانی، پژوهشکده خانواده-تهران

## مقدمه

شاخص بهتری برای چگونگی تصور از خدا می باشد، بخصوص در افرادی که برای آنها اعتقاد به خدا بسیار مهم است.

به باور دیکی و همکاران [۵] این فاصله از تصور از خدا در کودکان تا تصور از خدا در بزرگسالان، با تئوری دلبستگی و سبکهای والدگری مربوط می باشد. نظریه دلبستگی (بالبی، ۱۹۶۹) به تفسیر تغییر تحولی تأثیر والدین بر خود و در نتیجه تصور از خدا کمک می کند [۶].

در همین چارچوب کیرکپاتریک و شیور<sup>۵</sup> [۷] پیشینه تحقیق و مرور بسیار مناسبی از انطباق بین دلبستگی اولیه به والدین و دلبستگی بعدی به خدا تهیه کردند. این پژوهشگران توضیح دادند افرادی که شکلهای دلبستگی آنها به صورت عاشق و مراقب بوده است گرایش دارند تصور از خودشان و در نهایت تصورشان از خدا به صورت عاشق و مراقب باشد. براساس کار بالبی، سروف، فلیسن و فلیسن<sup>۶</sup> [۸] تأکید کردند که روابط اولیه والد-فرزند برای روابط دلبستگی آینده اساسی است. دلبستگی ها در تمام چرخه حیات شامل روابط والد-فرزند، روابط عاشقانه و رابطه با خدا می باشد [۵]. در واقع در چارچوب دلبستگی کودکان، دلبستگی به والدین و تصور از خدا از طریق شکلهای والدینی، توسعه پیدا می کند [۹]. به طور کلی کودکان تصورشان از والدین را به دیدگاه خودشان و تصور از خودشان که شبیه به والدینشان است درونی می کنند [۵]. بدین ترتیب ادراک دوران کودکی از والدین، پیش بینی کننده تصور از خود و تصور از خدا است.

در دوران نوجوانی و بزرگسالی همین که بین فرزندان و والدین فاصله می افتد، تصور از خود پیش بینی کننده بهتری برای تصور از خدا می شود. ارتباط مثبت بین تصور از خدا، تصور از خود و عزت نفس در بزرگسالان جوان توسط چندین تحقیق براساس ایده بالبی، (الگوهای تصور خود از الگوهای دلبستگی در اوایل کودکی نشأت گرفته و رشد می کنند) تأیید شده است [۶]. این طور فرض می شود

مطالعات تصور از خدا در کودکان و جوانان نتایج متفاوتی داشته است و به بررسی تحولی در این زمینه نیاز دارد. مطالعات در مورد کودکان نشان داده است که تصور کودکان از خدا به کیفیت ارتباط آنها با والدینشان بستگی دارد. دیکی و همکاران<sup>۱</sup> [۱] دو نمونه مختلف از کودکان سنین ۱۱-۴ ساله را که مادر، پدر و خدا را در دو مقیاس قدرت و حمایت رتبه بندی کرده بودند، مورد بررسی قرار دادند و گزارش کردند ادراک و تصور کودکان از خدا، شبیه تصور آنها از هر دو والدشان است. در حالی که کودکانی که خدا را حامی تصور کرده بودند والدین و بخصوص پدرشان را نیز حامی تصور کرده بودند؛ کودکانی که خدا را قدرتمند تصور کرده بودند هر دو والد و بخصوص مادر را قدرتمند تصور کرده بودند. البته کودکان سنین بالاتر در مقایسه با کودکان سنین پایین تر خدا را بیشتر قدرتمند و حامی تصور کرده بودند. همچنین در کودکان سنین پایین تر نسبت به کودکان سنین بالاتر، کیفیت ارتباط والدین با فرزندان پیش بینی کننده مهمتری برای چگونه شکل گیری تصور از خدا گزارش شد.

مطالعات فوق راهگشای مطالعاتی در حوزه دوران بزرگسالی شد. به عنوان نمونه صادقی [۲] گزارش کرد که تصور از خدا در جوانان با سبکهای تربیتی والدین ارتباطی نزدیک دارد؛ به طوری که در سبک تربیتی مقتدر خدا در دسترس و حامی، و در سبک تربیتی مسامحه کارانه خدا دور و فاصله دار تصور شده است. پژوهش هوج، یانسن و سایدنس<sup>۲</sup> [۳] نیز نشان داد ارزیابی افراد بزرگسال از حوادث جاری زندگی و یا تصور از خودشان نسبت به تصور آنها از والدین، اهمیت بیشتری در شکل گیری تصور آنها از خدا دارد. همچنین در مطالعه بوری و مولرز<sup>۳</sup> [۴] که بزرگسالان جوان مورد بررسی قرار گرفته بودند، گزارش شد اگرچه تصور از والدین نشان دهنده تصور از خدا است، اما تصور از خود و عزت نفس

4 - Bowlby  
5 - Kirkpatrick & Shaver  
6 - Sroufe, Fleeson, & Fleeson

1 - Dickie et al  
2 - Hoge, Johnson, and Cuidens  
3 - Buri & Muller s

مفهوم از خدا گزارش کردند. همچنین بنسون و اسپیلکا<sup>۱۱</sup> [۱۲] گزارش کردند که بین تصور از خود و بخصوص عزت نفس و تصور از خدا ارتباطی مثبت وجود دارد. هرچه عزت نفس و تصور از خود مثبت تر بود خدا مثبت تر، حامی تر، مهربان تر و قدرتمند تر تصور شده بود.

در پژوهشها اشاره شده است که روابط والد-فرزند هم بر عزت نفس و هم بر تصور از خدا تأثیرگذار است و به هر حال این تصورات از خود ممکن است به طور متفاوتی در زنان و مردان با تصور از خدا مرتبط باشد [۱۳]. به عنوان نمونه نتایج یک مطالعه بر روی زنان مذهبی تری که در کلیسا فعالیت داشتند، نشان داد که این زنان عزت نفس پایین تری دارند [۱۴]. البته این نتیجه می تواند دو ارتباط جالب از عزت نفس و ادراک از خدا به ما بدهد؛ اول، زنانی که ارزش و توجه بسیار زیادی به خدا دارند به دلیل توجه بیشتر به خدا نسبت به خودشان، عزت نفس پایین تری دارند، و دوم، در حالی که زنان همانند مردان خود را، بخصوص در برقراری ارتباط قدرتمند می بینند، زنان مذهبی این طور یاد گرفته اند که به دلیل آموزشهای جامعه پذیری (ارزشهای حاکم بر جامعه) و مطلوبیت اجتماعی، غرور خود را مخفی کنند و بنابراین، در پرسشنامه، نمره عزت نفس پایین تری به دست بیاورند [۵]. این فشار جامعه پذیری برای فروتن بودن، در مردان کمتر خود را نشان می دهد و بنابراین این طور انتظار می رود که ارتباط بین عزت نفس و تصور از خدا در مردان بیشتر مستقیم و در زنان این ارتباط کمی پیچیده تر باشد [۵].

بنابراین از یکسو با توجه به اهمیت نقش تصور از والدین و تصور از خود در شکل گیری تصور از خدا [۵] و تأثیرات این تصورات در تمام زوایای زندگی، و از سوی دیگر با توجه به اینکه تحقیقات متعددی گزارش کرده اند که تصور از خدا در فرهنگهای مختلف می تواند ناشی از زمینه های متفاوتی باشد [۱۶ و ۱۵] و نیز فقدان این گونه پژوهشها در زمینه فرهنگی ایران و نیز از یک نمونه مسلمان هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه بین تصور از خدا و تصور از والدین

که تصور از خود به عنوان مداخله گری مؤثر بین تصورات دوران کودکی از والدین و تصورات بزرگسالی از خدا عمل می کند.

بخش دیگری از نظریه دلبستگی با روابط والد-فرزند به عنوان پیش بینی کننده تصور از خدا در افراد مرتبط است. علیرغم الگوپذیری تصور از خود و تصور از خدا از تصورات والدین، وقتی که بزرگسالان جوان شروع به جدایی جسمی، عاطفی و معنوی از والدینشان می کنند، خدا به عنوان یک جانشین (جایگزین) کامل موضوع دلبستگی عمل می کند [۵].

اگر والدین از لحاظ عاطفی یا جسمی برای فرزند فقدان داشته باشند، این دلبستگی به صورت جبرانی عمل می کند؛ همان گونه که پژوهشگران آن را دلبستگی جبرانی<sup>۷</sup> می نامند [۹]. دیکی و همکاران [۱] شواهدی برای تفسیر جانشینی موضوعات دلبستگی<sup>۸</sup> یا دلبستگی جبرانی در فرزندان که والدینشان طلاق گرفته یا جدا شده اند، پیدا کردند. در این موارد در خانواده هایی که پدر غایب بود نسبت به خانواده هایی که پدر حضور داشت، خدا بیشتر حامی و قدرتمند تصور شده بود. این طور فرض شد که در این خانواده ها احتمالاً فرزندان تصور ایده آلی شان از خدا جانشین فقدان واقعی یا فقدان خیالی و فاصله از پدر شده است. بنابراین این طور فرض شد بزرگسالان جوانی که استقلال بیشتری از والدینشان دارند، تصورشان از خدا بیشتر براساس تصوراتشان از خود است تا تصوراتشان از والدینشان [۱]. همچنین در مطالعات آمده است درجه ای که فرزندان سبک تربیتی والدینشان را استبدادی-تنبیهی ارزیابی کرده اند، دیدگاه آنها از خودشان را تحت تأثیر قرار می دهد [۵].

در همین زمینه اما از دیدگاهی متفاوت اسپیلکا و مولین<sup>۹</sup> (۱۹۷۷) ارتباطی مثبت بین احترام به خود، نگرشها و مفاهیم نسبت به خدا پیدا کردند [۱۰]. یولی و تائولبی<sup>۱۰</sup> [۱۱] نیز ارتباطی مثبت بین نگرشهای مرتبط با احترام به خود و

7 - compensatory

8 - substitute

9 - Spilka &amp; Mullin

10 - Jolley &amp; Taulbee

11 - Benson &amp; Spilka

و دیگران، و نیز نقش پیش بینی کننده این متغیرها در تصور از خدا می باشد.

## روش

### جامعه، نمونه و روش نمونه گیری

این پژوهش از نوع زمینه یابی می باشد. جامعه آماری پژوهش حاضر را دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی که در سال تحصیلی ۸۶-۱۳۸۵ مشغول به تحصیل بودند، تشکیل می دهد. با مراجعه به مکانهای عمومی دانشگاه (نظیر سالنهای غذاخوری، فضاهای باز، کتابخانه ها و ...)، و با استفاده از روش نمونه گیری غیراحتمالی در دسترس ۲۴۰ دانشجوی به صورت انفرادی انتخاب شدند و پرسشنامه ها را تکمیل نمودند. داده های پژوهش با استفاده از آزمون همبستگی پیرسون، رگرسیون و t مستقل تجزیه و تحلیل شدند.

### ابزارهای پژوهش:

"مقیاس تصور از موضوعهای رابطه: خدا، خود، والدین و دیگران مهم"

این مقیاس برای اولین بار در ایران با اقتباس از مقیاس ۳۳ ماده ای تصور از خدا که توسط مظاهری و همکاران [۱۷] با توجه به "فرهنگ جامعه اسلامی"، بازسازی مقیاس ۷۲ ماده ای لارنس است، ساخته شد و مورد استفاده قرار گرفت. این مقیاس مجموعاً ۵۲ ماده دارد که برای هر یک از موضوعهای رابطه ۱۳ ماده ارایه شده است، که البته هر بار برای یک موضوع رابطه تکرار شده است. هریک از مواد مقیاس تصور از موضوعهای رابطه، توصیف کوتاهی از چگونگی تصور فرد از خدا، خود، والدین و دیگران مهم می باشد. در واقع مقیاس ذکر شده یک مقیاس چهارگانه است و اندازه گیری مقیاس هر بار تکرار می شود و هر بار موضوع رابطه عوض می شود تا شرایط و تصورات مشابهی را در فرد نسبت به خدا، خود، والدین و دیگران مهم ارزیابی کند. آزمودنیها پس از مطالعه هر جمله، میزان تطابق آن را با حالات و تجربه های خود در رابطه با تصور از خدا، خود، والدین و دیگران مهم بر روی یک مقیاس ۶ درجه ای از

کاملاً مخالف تا کاملاً موافق، تعیین می کنند. گستره نمرات برای هر یک از موضوعهای رابطه از ۱۳ تا ۷۸ در تغییر می باشد. در مورد سنجش هر موضوع رابطه هر چه نمره محاسبه شده بزرگتر باشد، تصور فرد از خدا، خود، والدین و دیگران در آن مقیاس بهتر و در مجموع، تصورات فرد مثبت تر است.

لارنس در سال ۱۹۹۱ [۱۸] پرسشنامه تصور از خدا<sup>۱۲</sup> (GII) ۱۵۶- ماده ای را با ۸ مقیاس روی یک نمونه ۱۵۸۰ نفری از بزرگسالان آمریکایی اجرا و آن را هنجاریابی نمود. اعتبار<sup>۱۳</sup> و روایی<sup>۱۴</sup> این مقیاس، و همبستگی درونی زیرمقیاسها در مطالعات متعدد رضایت بخش گزارش شده است [۱۹ و ۱۸]. مانک<sup>۱۵</sup> [۲۰] در پژوهش خود پایایی این مقیاس را توسط ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۲ به دست آورده است. همچنین صادقی [۲] اعتبار این مقیاس را در مطالعه مقدماتی که بر روی ۳۰ نفر از دانشجویان اجرا شده بود توسط آلفای کرونباخ ۰/۸۶ گزارش کرد. روایی این مقیاس با استفاده از روش روایی محتوایی محاسبه شد و سپس اعتبار آزمون با روش اجرای مجدد<sup>۱۶</sup> مورد اندازه گیری قرار گرفت و ضریب همبستگی پیرسون برای محاسبه میزان همبستگی بین نمرات دو بار اجرای آزمون ۰/۸۷ به دست آمد. ضمناً اعتبار پرسشنامه مذکور در پژوهش نهایی از طریق ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۹ به دست آمد [۲].

بنابراین پژوهشگران با توجه به پایه های نظری اقتباس شده از لارنس [۱۹] و مرور پرسشنامه های موجود و معتبر که تصور از خدا یا خود را می سنجید، مقیاس تصور از موضوعهای رابطه: خدا، خود، والدین و دیگران مهم را با بازسازی جملات مقیاس تصور از خدا بازنویسی کردند. این مقیاس در مطالعه ای مقدماتی بر روی ۲۰ نفر از دانشجویان اجرا و اعتبار آن توسط آلفای کرونباخ برای موضوعهای رابطه خدا، خود، والدین و دیگران مهم به ترتیب ۰/۷۶، ۰/۷۸ و ۰/۶۸ به دست آمد. سپس اعتبار آزمون با

12 - God Image Inventory

13 - reliability

14 - validity

15 - Manock

16 - test - retest

جدول ۱: میانگین و انحراف استاندارد نمرات تصور از خدا، والدین، خود و دیگران

انحراف استاندارد	میانگین	تعداد	شاخص انواع تصویرها
۱۱/۵۱	۵۸/۴۷	۲۴۲	تصور از خدا
۹/۹۸	۵۸/۴۷	۲۴۲	تصور از والدین
۷/۸	۵۵/۵۲	۲۴۲	تصور از خود
۹/۹۵	۴۸/۲۰	۲۴۲	تصور از دیگران

وجود دارد.

با توجه به همبستگی معنادار بین متغیرهای پژوهش با استفاده از تحلیل رگرسیون رو به عقب ۱۸ به ارزیابی سهم تعیین معتبرترین متغیر پیش بین در متغیر ملاک تصور از خدا پرداخته شد. در جدولهای ۳ و ۴ نتایج تحلیل واریانس و معتبرترین الگوی پیش بینی کننده نشان داده شده است.

در جدول ۳ اگرچه نتایج تحلیل واریانس برای هر دو الگو با توجه به مقدار F معنادار است، اما در الگوی ۲ که متغیر پیش بین تصور از دیگران مهم حذف شده است، مقدار F برای پیش بینی تصور از خدا بیشتر و سطح معنادار بودن بالاتر است. همچنین در حالی که در الگوی ۱ مقدار  $R = ۰/۳۳$ ،  $R^2 = ۰/۱۲$ ، در الگوی ۲ مقدار  $R = ۰/۳۴$ ،  $R^2 = ۰/۱۳$  محاسبه شده است

جدول ۲: ماتریس همبستگی میان نمرات تصور از خدا، والدین و دیگران

همبستگی			
انواع تصویرها	تصور از خدا	تصور از والدین	تصور از دیگران
همبستگی پیرسون			
تصور از خدا			
معناداری	۰/۳۲**	۰/۲۱**	۰/۱۲*
تعداد	۲۴۲	۲۴۲	۲۴۲
همبستگی پیرسون			
تصور از والدین			
معناداری	۰/۳۸**	۰/۰۱	۰/۱۴*
تعداد	۲۴۲	۲۴۲	۲۴۲
همبستگی پیرسون			
تصور از خود			
معناداری	۰/۱۷**	۰/۰۶	۰/۱۲*
تعداد	۲۴۲	۲۴۲	۲۴۲

\* همبستگی معنادار در سطح ۰/۰۵

\*\* همبستگی معنادار در سطح ۰/۰۱

روش اجرای مجدد<sup>۱۷</sup> مورد اندازه گیری قرار گرفت و ضریب همبستگی پیرسون برای محاسبه میزان همبستگی بین نمرات دو بار اجرای آزمون ۰/۸۴ به دست آمد. ضمناً اعتبار پرسشنامه در پژوهش نهایی از طریق ضریب آلفای کرونباخ برای تمامی سؤاها ۰/۸۰ و برای هر کدام از موضوعهای رابطه خدا، خود، والدین و دیگران مهم به طور جداگانه به ترتیب ۰/۸۲، ۰/۷۸، ۰/۸۰ و ۰/۷۲ محاسبه شد.

## یافته‌ها

داده های جمعیت شناختی این پژوهش نشان می دهد از ۲۴۰ دانشجوی مجرد شرکت کننده در این پژوهش ۵۱/۲٪ زن (۱۲۴ نفر) و ۴۸/۸٪ مرد (۱۱۸ نفر) هستند. همچنین گستره سنی پاسخ دهندگان بین ۱۷ تا ۲۷ سال، با میانگین سنی ۲۱/۵ می باشد.

جدول ۱ تعداد آزمودنیها و میانگین و انحراف استاندارد نمرات مقیاسهای تصور از خدا، خود، والدین و دیگران را نشان می دهد. همان طور که در جدول مشاهده می شود میانگین نمرات تصور از خدا و والدین در بین آزمودنیها دارای بالاترین نمرات است.

در جدول ۲ میزان همبستگی بین نمرات آزمودنیها در تصور از خدا، خود، والدین و دیگران نشان داده شده است. همان طور که جدول ۲ نشان می دهد میان تمامی انواع نمرات تصور خدا، خود، والدین و دیگران مهم همبستگی معنادار

جدول ۳: نتایج تحلیل واریانس در الگوهای متفاوت رگرسیون

سطح معناداری	F	میانگین مجزورات	درجه آزادی	خلاصه مجزورات	الگوها
					شاخص
۰/۰۰۲	۱۰/۸۹	۱۲۸۶/۵۴	۳	۳۸۵۹/۶۴	رگرسیون
		۱۱۸/۱۰۴	۲۳۸	۲۸۱۰۸/۷۵	۱ باقی مانده
		-	۲۴۱	۳۱۹۶۸/۳۹	کلی
۰/۰۰۱	۱۵/۶۳	۱۸۴۹/۶۰	۲	۳۶۹۹/۲۰	رگرسیون
		۱۱۸/۲۸	۲۳۹	۲۸۲۶۹/۱۸	۲ باقی مانده
		-	۲۴۱	۳۱۹۶۸/۳۹	کلی

\* الگوی ۱: تمامی متغیرها (تصور از والدین، خود و دیگران مهم) در پیش بینی متغیر ملاک تصور از خدا حضور دارند.  
 \*\* الگوی ۲: متغیر تصور از دیگران مهم از میان متغیرهای پیش بینی کننده در پیش بینی متغیر تصور از خدا حذف شده است.

جدول ۴: نتایج تحلیل رگرسیون و ارزیابی میزان رابطه ها

سطح معناداری	T	استاندارد	غیراستاندارد		شاخص	انواع تصور	نوع الگو
		Beta	خطای برآورد شده	B			
۰/۰۱	۴/۴۸	-	۶/۰۹	۲۷/۳۴		ثابت	۱
۰/۲۴	۱/۱۶	۰/۰۷۲	۰/۰۷	۰/۰۸		تصور از دیگران	
۰/۰۰۱	۴/۲۶	۰/۲۷	۰/۰۷	۰/۳۲		تصور از والدین	
۰/۰۴	۲/۵۶	۰/۱۵	۰/۰۹	۰/۲۰		تصور از خود	
۰/۰۰۱	۵/۳۳	-	۵/۶۳	۳۰/۰۷		ثابت	۲
۰/۰۰۱	۴/۳۸	۰/۲۸	۰/۰۷	۰/۳۲		تصور از والدین	
۰/۰۲	۲/۶۶	۰/۱۷	۰/۰۹	۰/۲۰		تصور از خود	

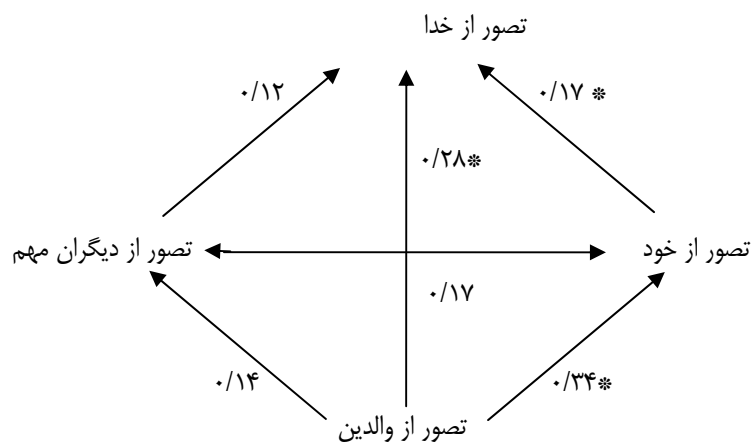
\* الگوی ۱: تمامی متغیرها (تصور از والدین، خود و دیگران) در پیش بینی متغیر ملاک تصور از خدا حضور دارند.  
 \*\* الگوی ۲: متغیر تصور از دیگران از میان متغیرهای پیش بینی کننده در پیش بینی متغیر تصور از خدا حذف شده است.

جدول ۵: تعداد آزمودنیها به تفکیک جنسیت- میانگین و انحراف استاندارد نمرات تصور از خدا، والدین، خود و دیگران مهم

در گروههای پسر و دختر و نتایج آزمون t دو دامنه

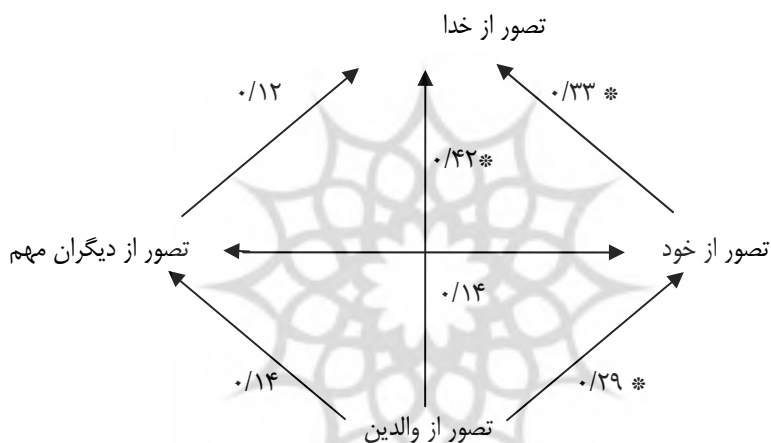
p	درجه آزادی	t دو دامنه	انحراف استاندارد	میانگین	تعداد	شاخص	زیرمقیاس
						جنسیت	
۰/۰۰۶	۲۴۰	-۲/۷۹	۱۰/۹۲	۵۷/۹۶	۱۱۸	مرد	تصور از خدا
						زن	
۰/۰۰۸	۲۴۰	-۲/۶۸	۸/۴۰	۵۶/۵۴	۱۱۸	مرد	تصور از والدین
						زن	
۰/۰۱	۲۴۰	-۲/۳۸	۸/۲۹	۵۴/۱۷	۱۱۸	مرد	تصور از خود
						زن	
۰/۰۰۱	۲۴۰	-۳/۳۷	۱۰/۸۰	۴۶/۷۳	۱۱۸	مرد	تصور از دیگران مهم
						زن	

طبق نتایج گزارش شده در جدول ۴ و با توجه به سطح معناداری نشان داده شده است که تصور از والدین و تصور از خود، پیش بینی کننده های معتبری برای متغیر ملاک تصور از خدا می باشند و نیز هنگام حذف متغیر پیش بین تصور از دیگران مهم، سهم واریانس این متغیرها بالاتر رفته است.



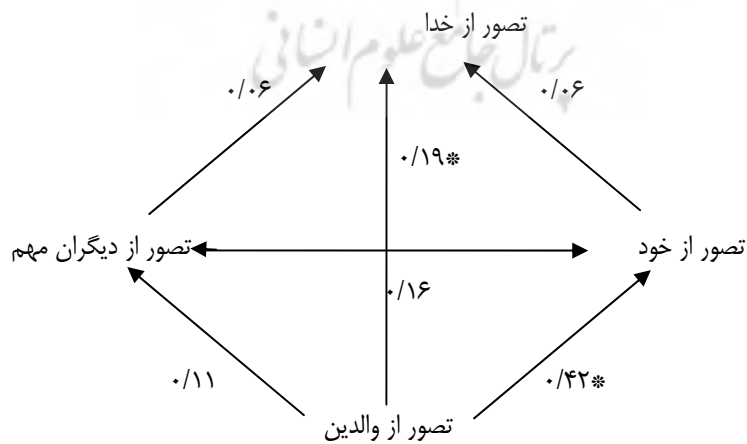
شکل ۱: پیش بینی سهم واریانس متغیرها در آزمودنیها

\* در سطح ۰/۰۵ معنادار



شکل ۲: پیش بینی سهم واریانس متغیرها در آزمودنیهای دختر

\* در سطح ۰/۰۵ معنادار



شکل ۳: پیش بینی سهم واریانس متغیرها در آزمودنیهای پسر

در سطح ۰/۰۵ معنادار

پسران سهم واریانس تصور از والدین در پیش بینی تصور از خود ۴۲٪ می باشد، این سهم در دختران ۲۹٪ است. این بدان معنا است در حالی که نقش تصور از والدین و خود در پیش بینی تصور از خدا در دختران بیشتر از پسران است، نقش تصور از والدین در پیش بینی تصور از خود در پسران بیشتر از دختران است.

### بحث و نتیجه گیری

نتایج داده ها با استفاده از تحلیل‌های همبستگی نشان داد که بین متغیرهای تصور از خدا، والدین، خود و دیگران همبستگی معنادار وجود دارد. بدان معنا که هر چه تصور از والدین، خود و دیگران مثبت تر باشد، تصور از خدا نیز مثبت تر است. نتایج تحلیل رگرسیون و شکل ۱ نیز نشان داد که متغیرهای تصور از والدین و تصور از خود نسبت به متغیر تصور از دیگران مهم پیش بینی کننده های بهتری برای متغیر تصور از خدا می باشند. شکل ۱ نشان می دهد که سهم واریانس تصور از والدین در پیش بینی تصور از خدا (۳۲٪) حتی بیشتر از سهم واریانس تصور از خود در پیش بینی متغیر تصور از خدا است (۲۱٪). یافته پژوهش حاضر، با یافته های دیکی و همکاران (۱ و ۵)، جانسون و استبرگ<sup>۲۰</sup> (۱۹۹۷، به نقل از ۲۱)، هرتل و داناها<sup>۲۱</sup> [۲۲] و ... همخوانی دارد. جانسون و استبرگ (۱۹۹۷، به نقل از ۲۱) گزارش کردند که تحقیقات در مورد تصور از خدا به سه قسمت تقسیم می شوند: تصور از خدا در ارتباط با مفاهیم والدینی<sup>۲۲</sup>، تصور از خدا در ارتباط با مفهوم از خود<sup>۲۳</sup> و تصور از خدا در ارتباط با الگوهای تحولی<sup>۲۴</sup>. در همین چارچوب هرتل و داناها [۲۲] گزارش کردند که تصور والدین از خدا و تصور جوانان از والدین، پیش بینی کننده تصور جوانان از خدا، بخصوص به عنوان خدای عاشق است. کیرکپاتریک و شیور [۲۳] نیز ارتباط بین دلبستگی اولیه و فعلی بزرگسال را با دلبستگی به خدا بررسی کردند. در همین چارچوب شهابی

شکل ۱ با استفاده از تحلیل رگرسیون به منظور روشن تر شدن سهم واریانس پیش بینی متغیرها برای یکدیگر نمایش داده شده است. همان طور که شکل ۱ نشان می دهد تصور از والدین با سهم واریانس ۰/۲۸ قوی ترین پیش بینی کننده تصور از خدا در بین دانشجویان است. قوی ترین پیش بینی کننده تصور از خود در بین دانشجویان نیز تصور از والدین با سهم واریانس ۰/۳۴ می باشد. پس از تصور از والدین، تصور از خود با سهم واریانس ۰/۱۷ قوی ترین پیش بینی کننده تصور از خدا می باشد.

برای بررسی تفاوت‌های جنسیتی، تحلیل داده ها با استفاده از آزمون مستقل t (جدول ۵) نشان داد میانگین نمرات تصور از خدا، والدین، خود و دیگران مهم در بین دو جنس تفاوت معنادار دارد، به گونه ای که میانگین نمرات تصور موضوعهای رابطه در دختران بیشتر از پسران است. به عبارت دیگر دختران در مقایسه با پسران تصورشان از موضوعهای رابطه: خدا، خود، والدین و دیگران مهم مثبت تر می باشد.

در پی تفاوت معنادار میانگین نمرات مقیاس موضوعهای رابطه با استفاده از آزمون تحلیل رگرسیون ورودی<sup>۱۹</sup> نتایج سهم واریانس هر متغیر با متغیر دیگر در بین جنسهای متفاوت در شکل‌های ۲ و ۳ نمایش داده شد. در شکل ۲ این ارتباط در دختران دانشجو و در شکل ۳ این ارتباط در پسران دانشجو نشان داده شده است. با توجه به شکل‌های ۲ و ۳ تفاوت سهم واریانس های پیش بینی کننده تصور از والدین و خود در متغیر تصور از خدا در بین دو جنس کاملاً مشخص است. در حالی که سهم واریانس پیش بینی کننده تصور از والدین در تصور از خدا در بین دانشجویان دختر ۴۲٪ است، این سهم در دانشجویان پسر ۱۹٪ می باشد.

نکته جالب توجه تفاوت سهم واریانس های پیش بینی کننده تصور از خود در متغیر تصور از خدا در بین دو جنس است. این سهم در دانشجویان دختر ۳۳٪ و در دانشجویان پسر فقط ۶٪ و بی معنا است. همچنین در حالی که در

20 - Johnson, W. B., & Eastburg, M. C

21 - Hertel & Donahue

22 - IOG to parent concept

23 - IOG to self concept

24 - IOG to developmental models



گیری تصور از خدا نیز می باشند. همچنین فرضیه انطباقی کیرکپاتریک [۲۸] بیان می کند که دیدگاه افراد از خدا همسان تصورات آنها از ارتباط با اولین مراقبانشان است. کیرکپاتریک و شیور [۲۳] نیز گزارش کردند، که بزرگسالانی با الگوهای دلبستگی ایمن، سطوح بالاتری از تعهد مذهبی و تصور از خدای مثبت تری (بیشتر دوستدارانه و کمتر فاصله دار) نسبت به الگوهای دلبستگی اجتنابی داشتند. در واقع کیفیت روابط والدین با فرزندان نقش مهمی در انتقال ارزشهای مذهبی دارد.

مطالعات بسیاری از این الگو حمایت کردند که از آنجمله می توان به پژوهشهای دیکی و همکاران [۵]، صادقی [۲]، و دی روس و همکاران [۲۹] اشاره کرد. این پژوهشگران در پژوهشهای خود گزارش دادند که بین سبکهای تربیتی و تصور از خدا ارتباط وجود دارد، یعنی؛ سبک تربیتی مقتدر با بهترین و مثبت ترین تصور از خدا (حامی، در دسترس و...) و سبک تربیتی مسامحه کار با منفی ترین تصور از خدا (دور، فاصله دار و...) رابطه دارد. همچنین نزدیکی با والدین و تصور از والدین به صورت دوستدار و حامی، با تصور از خدا به عنوان دوستدار، آرام بخش، مراقب و هادی مرتبط است.

ورگوت و تامایو (۱۹۸۱) اعتقاد دارند در بیان ارتباطات به دست آمده، یک فرض می تواند چنین باشد که شکل‌های والدینی نمادهایی مداخله گر برای تصور از خدا می باشند، چون از یکسو، والدین از لحاظ روان شناختی برای فرزندان در تمام دوره های تحول مهم می باشند و از دیگر سو، جهت گیری رشد تصور از خدا از روابط با دیگران و فرایند های بین فردی در خانواده شکل می گیرد [۲۹].

یافته دیگر پژوهش حاضر نقش پیش بینی کننده تصور از خود در تصور از خدا است. جان بالبی (۱۹۶۹) پیشنهاد کرد که در نظام رفتاری دلبستگی، یک مؤلفه شناختی وجود دارد که شامل بازنمایی ذهنی از الگوهای خود و دیگران است. او این الگو از خویش یا دیگران را الگوی بازنمایی یا الگوی مؤثر روانی نامید. این الگوها ناشی از موضوعهای دلبستگی هستند که در اوایل دوران کودکی بوجود می آیند

زاده [۲۴] گزارش کرد آزمودنیهایی که در دوران کودکی دلبستگی نایمن نسبت به والدین دارند، ضمن گزارش دلبستگی نایمن در بزرگسالی، دلبستگی نایمن به خدا دارند.

کیرکپاتریک [۲۵] معتقد است که در نوشته های مذهبی، خدا به عنوان چهره دلبستگی<sup>۲۵</sup> توصیف شده است. وی اعتقاد دارد که ارتباط انسان با خدا، وابستگی زیادی با ارتباط دلبستگی انسان دارد. صادقی [۲] نیز در پژوهش خود گزارش داد که بین سبکهای تربیتی و تصور از خدا ارتباط وجود دارد؛ سبک تربیتی مقتدر با بهترین و مثبت ترین تصور از خدا (حامی، در دسترس و...) و سبک تربیتی مسامحه کار با منفی ترین تصور از خدا (دور، فاصله دار و...) رابطه دارد.

در تبیین یافته های فوق شاید بتوان به اهمیت و نقش نظریه های روابط موضوعی و دلبستگی در شکل گیری تصور از خدا اشاره داشت. ریزاتو [۲۶] تصور از خدا را احساسات و تصوراتی که هر فرد را با خدا ارتباط می دهد و در اوایل زندگی کسب می شود، در نظر گرفت. هرتل و داناهاو [۲۲] نیز اعتقاد دارند که تصور والدین از خدا به اضافه شیوه فرزندپروری آنان، تاثیر پیش بینی کننده ای برای شکل گیری تصور از خدا در جوانان دارند.

از سوی دیگر دی روس و همکاران [۲۷] نیز معتقد هستند تصور از والدین با الگوی مؤثر درونی<sup>۲۶</sup> بالبی یکسان است. در این الگو فرض می شود که نوع دلبستگی کودک و ارتباطش با والدین، به طور مستقیم تصور از خدا را پیش بینی می کند. کیرکپاتریک و شیور [۲۳] نیز اعتقاد دارد جنبه های مهم دینداری فرد به طور مؤثری با دلبستگی ارتباط دارد، و مؤلفه بنیادی این شکل گیری که اعتقاد افراد در مورد خدا، و بخصوص ادراک آنها از داشتن ارتباط شخصی با خداست، معادل ارتباط دلبستگی می باشد. کیرکپاتریک [۲۸] معتقد است که پناهگاه ایمن و پایه ایمنی که در شکل گیری دلبستگی نقش دارند، پایه و اساس شکل

25 - God as an Attachment figure

26 - Internal working model

جوان والدیشان را حامی، قدرتمند، و یا تنبیه کننده و سخت گیر تصور می کنند گویا تصورشان از خودشان نیز به همین گونه است. پورحسین [۳۲] نیز اعتقاد دارد بازخوردها و سبکهای ارتباطی والدین نقش مهمی در تحول خود ایفا می کند.

ریزاتو [۳۳] براین اساس و بر طبق مدل روابط موضوعی، توجه به این نکته را ضروری می داند که تصور افراد از خدا و خود، از قبل در ذهن آنان و براساس روابط موضوعی در دوران کودکی شکل گرفته است. به طور مثال در فضای بین مادر و کودک، تصورات و تجربیات دوران کودکی شکل می گیرد. در این فضا کودکان با واقعیت‌های داخلی و خارجی بازی کرده و روابط موضوعی و موضوعهای انتقالی را که در افسانه‌های ذهنی هر انسانی نقش دارد، شکل می دهند. در همین رابطه حس از خود کودک در ارتباط با حس از مادرش رشد می کند. اگر کودک خودش را به عنوان موجودی ارزشمند در مقابل مادرش (یا اولین مراقبش) درک کند، و زندگی برای ترقی اش امید بخش باشد کودک می تواند آرام باشد. اما اگر کودکی این تصور از خود را بد در نظر بگیرد با خودش دچار تعارض می شود. کودک فکر می کند آن چیزی که او انجام می دهد درست نیست و نمی تواند والدین یا خدایش را خوشحال کند مگر اینکه شخص دیگری بشود [۳۴]. ریزاتو (۱۹۷۹) اعتقاد دارد تصور هر شخصی از خدا می تواند براساس تصور فرد از خود و والدین و تصور هر فردی از خود نیز براساس تصور از والدین ساخته شده باشد [۱۹].

یافته دیگر پژوهش حاضر تفاوت جنسیت در سهم واریانس های تصور از والدین و خود در پیش بینی متغیر تصور از خدا است. طبق شکل‌های ۲ و ۳ در دختران نسبت به پسران سهم واریانس پیش بینی کننده های تصور از والدین (۴۲٪ در مقابل ۱۹٪) و تصور از خود (۳۳٪ در مقابل ۶٪) در تصور از خدا بالاتر است. همچنین این تفاوت در سهم واریانس پیش بینی کننده تصور از والدین در متغیر تصور از خود نیز مشاهده می شود اما به صورت بر عکس، یعنی این سهم در دختران ۲۹٪ و در پسران ۴۲٪ است.

و بعدها به عنوان میانجی بین ادراک از والدین و ادراک از خدا قرار می گیرند [۲۷]. فرض شده است که این نظام پویا می تواند این طور توضیح داده شود که مفاهیم و تصاویر والدین و تصور از خود پیش بینی کننده تصور از خدا در دوران کودکی و بزرگسالی هستند [۷ و ۵ و ۴].

ریزاتو (۱۹۷۹) اعتقاد دارد تصور هر شخصی از خدا می تواند براساس تصور فرد از خود ساخته شده باشد و هدف از ساخت تصور از خدا نگهداری و حفظ حداقل تصور از خود قابل قبول برای فرد می باشد [۱۹]. مطالعات هاید (۱۹۹۰)، به نقل از [۲۲]، دیکو و همکاران [۱] و بنسون و اسپیلکا [۱۲] تأییدی بر نظریه های پیشین بود. در تمامی این مطالعات نشان داده شد که تصور از خدا با الگوی ذهنی فرد از خود، و در واقع تصور از خود مرتبط است. الزی (۱۹۶۱) نیز ارتباط بین پذیرش خویش، دیگران و اعتقاد در پذیرش خدا را در یک گروه نامتجانس از افراد پروتستان و کاتولیک بررسی کرد [۲۰]. این محقق همبستگی معنادار و مثبتی در بین متغیرهای پذیرش خویش و پذیرش دیگران، پذیرش خویش و اعتقاد به پذیرش خدا، و پذیرش دیگران و اعتقاد به پذیرش خدا گزارش کرد. الزی نتیجه گیری کرد که رشد یک دیدگاه پذیرنده نسبت به خویش، اعتقاد به پذیرش خدا را تسهیل می کند. رابرتز [۳۰] نیز در مطالعه خود به تطابقی بین تصور از خدا و تصور از خود دست یافت. پنچوف [۲۸] (۱۹۷۶) اعتقاد دارد که بسیاری از افراد به خاطر تصور نامطلوبی که از خود دارند تصویری انحرافی از خدا پیدا کرده اند [۳۱].

از دیگر یافته های پژوهش حاضر ارتباط معنادار بین تصور از خود و تصور از والدین و سهم پیش بینی کننده متغیر تصور از والدین در پیش بینی تصور از خود با واریانس ۳۴٪ است. به باور دیکو و همکاران (۵)، بر اساس نظر بالبی، (۱۹۶۹) کیفیت رابطه والد-فرزند که در فرزندان درونی شده است، به عنوان یکی از مولفه های نظام موثر روانی است که شکل دهنده تصور از خود است و وقتی بزرگسالان

27 - Roberts, C. W

28 - Pencheff, S

خدای بهتر و ارتباط نزدیکتر با خدا در دختران نسبت به پسران (۳۶ و ۲۵) و ارتباط بین تصور از والدین حامی و تصور از خدای حامی در دختران [۲ و ۱] باشد. به طور کلی در دختران تصور از والدین به گونه مثبت و مستقیم با تصور از خود، و همچنین تصور از والدین و تصور از خودی مثبت در نهایت با تصویری مثبت از خدا ارتباطی نزدیک داشته باشد [۵]، اما تبیین احتمالی برای این مطلب که در پژوهش حاضر در پسران تصور از خود پیش بینی کننده معتبری برای تصور از خدا نمی باشد، شاید به دلایل احتمالی متفاوت و از آنجمله سطح تحولی من باشد. تقی یاره [۳۷] در پژوهش خود گزارش داد که ارتباط بین سطح تحول یافتگی من و بازنمایی های اجتنابی و اضطرابی دلبستگی به خداوند، منفی می باشد. به عبارت دیگر در حالی که در مدل تطابقی، انتقال الگوی دلبستگی کودک-والد به رابطه دلبستگی به خدا را داریم، این رابطه در مورد افرادی که در سطوح پیشرفته تحول من (تیپ شخصیتی فردیت یافته) قرار دارند، تایید نمی گردد. گوئی آنان بر تاثیرات ناشی از تجربیات کودکی فائق آمده و خود، الگویی را در رابطه دلبستگی به خداوند پی ریخته اند [۳۷].

در پایان ضمن اشاره به این مطلب که در بین رشته های مختلف تحصیلی و دانشکده های متفاوت، تفاوتی در نتایج مشاهده نشد، بایستی تأکید شود که در تحلیل و تفسیر یافته ها و بخصوص سهم واریانس های پیش بینی کننده در تصور از خدا بخصوص نقش تصور از خود بایستی به تفاوت های فرهنگی [۳۸]، تربیت دینی و میزان مذهبی بودن خانواده [۲۴ و ۲]، سبک های تربیتی [۳۴ و ۲] و سطح تحول "من" [۳۷] اشاره کرد. البته نقش عوامل مداخله گر دیگر مانند بافت مذهبی جامعه، میزان تحصیلات و پایگاه اجتماعی- فرهنگی نیز باید مورد توجه قرار بگیرد. بدیهی است که تکرار مطالعات فوق و پژوهش های آینده به این سوالات پاسخ خواهند داد.

## منابع

1. Dickie, J. R., Eshleman, A. K., Merasco, D.

دیکی و همکاران [۵] اعتقاد دارند این انتظار که تصور از خود می تواند پیش بینی کننده تصور از خدا باشد وابسته به جنسیت است. این پژوهشگران در مطالعه خود گزارش دادند در حالی که در پسران متغیر عزت نفس به صورت مستقیم پیش بینی کننده تصور از خدا است، اما در دختران به دلیل اهمیت دیگران مهم، نقش تصور از خود برجسته تر می شود. جالب توجه این است که در پژوهش حاضر نیز سهم واریانس پیش بینی کننده تصور از دیگران مهم در تصور از خدا در دختران دو برابر پسران است (۱۲٪ در مقابل ۶٪). البته در پژوهش حاضر برخلاف یافته دیکی و همکاران [۵] در حالی که تصور از خود در پسران پیش بینی کننده معتبری برای تصور از خدا نیست، در دختران تصور از خود پیش بینی کننده معتبر تصور از خدا است.

نتایج پژوهش های اسپیلکا، آدیسون و روزنسن [۳۵] نیز مشابه پژوهش حاضر بوده است. در این پژوهش که پژوهشگران ارتباط بین نگرش به والدین و نگرش به خود را با تصور از خدا در بین دانش آموزان دبیرستانی کاتولیک مطالعه کردند، نتایج نشان داد که دختران نسبت به پسران همبستگی های بالاتری در این مؤلفه ها (۲۷٪ در مقابل ۱۰٪ از تمام همبستگی ها) دارند. تحلیل همبستگی ها ارتباط مثبت بین پدر عاشق و خدای عاشق را برای پسران نشان داد. البته دختران ارتباط مثبت بیشتری بین مادر عاشق و خدای عاشق نشان دادند و این در حالی بود که ارتباط معناداری بین تصور از خدا و تصور از مادر برای پسران وجود نداشت. در پسران عزت نفس پایین با مفهوم خدای غضبناک ارتباط داشت، و برای دختران عزت نفس بالا با تصور از خدا به عنوان عاشق مرتبط بود. یافته های این مطالعه نشان داد که نه فقط ارتباط مهمی بین تصور از خویش، والدین و تصور از خدا وجود دارد؛ بلکه ممکن است این ارتباط در بین دو جنس نیز متفاوت باشد. یافته پژوهش حاضر نیز در حمایت از این پژوهش است (جدول ۵).

شاید تبیین احتمالی برای یافته های فوق توجه به تفاوت تصور از خدا در بین دو جنس در مطالعات فراوان و تصور از

- concept.pdf.1986.
9. Granqvist, P., & Hagekull, B. Religiousness and perceived childhood attachment: profiling socialized correspondence and emotional compensation. *Journal for the Scientific study of Religion*. 1999;38: 254-273.
10. 10- Granqvist, P. Religiousness and perceived childhood attachment: on the question of compensation or correspondence. *Journal for the Scientific study of Religion*. 1998;37: 350-367.
11. Jolley, J. C., and Taulbee, S., J. Assessing perceptions of self and God: Comparison of prisoners and normals. *Psychological reports*: 1986;59(3): 1139-1146.
12. Benson, P., and Spilka, B. God image as a function of self- esteem and locus of control. *Journal for the Scientific Study of Religion*.1973: 12: 297-310.
13. Eshleman, A. K., Dickie, J. R., Merasco, D. M., Shepard, A., VanderWilt, M, and Johnson, M. Mother God, father God: Children' s perceptions of God's distance. *International Journal for the Psychology of Religion*.1999: 9(2): 139-146.
14. Holcomb, L. Role concepts and self-esteems in church women with implications for pastoral counseling. *Journal of Psychology and Theology*. 1975;3: 119-126.
15. Gorsuch, R. L. The conceptualization of God as seen in adjective rating. *Journal of the Scientific of Religion*. 1968;7: 56-64.
16. Potvin, R. H. Adolescent God images. *Review of Religious Research*.1977: 19(1): 43-47.
- M., Shepard, A., Vander, M., and Johnson, M.. Parent-child relationships and children's images of God. *Journal for the Scientific Study of Religion*. 1997;36: 25-43.
۲. صادقی، منصوره سادات.. بررسی رابطه روش تربیت دینی با تصور از خدا در دانشجویان. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۴.
3. Hoge, D. R., Johnson, B, and Luidens, D. A. Determinants of church involvement of young adults who grew up in Presbyterian churches. *Journal for the Scientific Study of Religion*. 1993;32: 242-255.
4. Buri, J. R. and Muller, R. A. Psychoanalytic theory and loving God concepts: Parent referencing vs. self-referencing. *Journal of Psychology*.1993: 127: 17-27.
5. 5- Dickie, J. R, Ajega, L. V., Kobylak, J. R., & Nixon, K. M. Mother, father, and self: Sources of young adults' God concepts. *Journal for the Scientific Study of Religion*. 2006;45(1): 57-71.
6. Kirkpatrick, L. A. An attachment-theory approach to the psychology of religion. *The International Journal for the Psychology of Religion*. 1992;2: 3-2
7. Kirkpatrick, L. A., & Shaver, P. R. Attachment theory and religion childhood attachment religious beliefs, and conversion. *Journal for the Scientific study of Religion*.1990;29: 315-334.
8. Sroufe, L., Fleeson, A., Fleeson, J. Attachment and the construction of relationships. Retrieved April22,2006,from <http://www.ijot.com/papers/slater-children-god->

- personal relationship. London.1994؛ 5: 239-256.
26. Rizzuto, A- M. Critique of the contemporary literature in the scientific study of religion. Paper presented at the annual meeting of the Society for the scientific study of religion. New York.1970.
27. De Roos, S.A., Miedema, S. and Iedema, J. Attachment, working models of self and others, and God concept in kindergarten. *Journal for the Scientific Study of Religion*. 2002؛40(4): 607-618.
28. Kirkpatrick, L. A. Handbook of attachment: Theory, research and clinical application. NY: Guilford press.1999.
29. De Roos, S.A. Young children's God concepts: Influences of attachment and socialization in a family and school context. Paper to be presented at the REA/APRRE conference in Denver, 2004 November 5-7.
30. Roberts, C. W. Imagining God: Who is created in whose image? *Review of Religious Research*. 1989؛30: 370-386.
31. Matlock- Hetzel, S. G. Perceived relationship with God as predictor of attitudes towards seeking mental health services. *Journal for the Scientific study of Religion*. 2004؛1: 491-504.
۳۲. پورحسین، رضا. بررسی تحولی تصور کودک از خود. تهران: روزگار. ۱۳۸۱
33. Rizzuto, A- M. Object relations and the formation of the image of God. *British Journal of Medical Psychology*.1974؛ 47(1): 83-99.
34. De Roos, S.A., Summey, W. A child's concept of God. In Ratchiff, D., *Children's* 53.
17. مظاهری، محمد علی؛ صادقی، منصوره سادات؛ شهبایی زاده، فاطمه و یآوری، فاطمه. بررسی رابطه سبکهای دلبستگی و دلبستگی به خدا با تصور از خدا. چاپ نشده. پژوهشکده خانواده. ۱۳۸۴.
18. Hall, T. W., and Sorence, R. . God image inventory. In p. c. Hill & R. W. Hood. *Measures of religiosity 1999*(pp. 399-406). Birmingham. Alabama: Religious Education press.
19. Lawrence, R. T. Measuring the Image of God: The God image inventory and the God image scales. *Journal of Psychology and Theology*. 1997؛25(2): 214-226.
20. Manock, D. I. The relationships of adult attachment styles and image of God in individuals.2003. Retrieved March 5, 2005, from <http://www.findarticle.Com>.
21. Kuburic, Z. Image of God in religious experience. *The Scientific Journal FACTA UNIVERSITATIS series: Philosophy and Sociology*.1998؛1(5): 471-484.
22. Hertel, B & Donahue, M. J. Parental influences on God images among children: Testing Durkheim's metaphoric parallelism. *Journal for the Scientific study of Religion*. 1995؛36: 186-199.
23. Kirkpatrick, L. A., & Shaver, P. R. An attachment theoretical approach to romantic love and religious belief. *Personality and Social Psychology Bulletin*. 1992؛18: 226-275.
۲۴. شهبایی زاده، فاطمه. بررسی رابطه بین ادراک سبک دلبستگی دوران کودکی و سبک دلبستگی بزرگسال با سبک دلبستگی به خدا. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه شهید بهشتی. ۱۳۸۳.
25. Kirkpatrick, L. A. The role of attachment in religious belief and behavior. *Advances in*

۳۷. تقی یاره، فاطمه. بررسی رابطه تحول من، دلبستگی به خدا و جهت گیری مذهبی در دانشجویان. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه شهید بهشتی. ۱۳۸۲.

38. Hoffman, L., Hoffman, J. L., Dillard, K., Clark, J., Acoba, R., Williams, F., & Jones, T.T. Cultural diversity and the God image: Examining cultural difference in the experience of God. Paper presented at the Christian Association for psychological studies International Conference, Dallas, TX.2005.

spirituality: Christian perspective, research, and application 2004:3th. Pp. 201-218. Eugen, O.R: Cascade Books.

35. Spilka, B.; Addison, J. & Rosensohn, M. Parents, self, and God: A test of competing individual-religion relationships. Review of Religious Research.1975: 16(3): 154-165.

36. Slater, T (2005). The develops of children's concept of God. Retrieved April10,2005,from <http://www.ijot.com/papers/slater-children-god-concept.pdf>.

